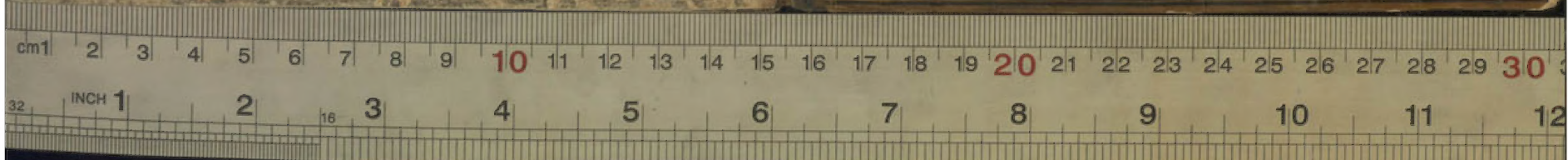




کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب	مرغ	شماره ثبت کتاب
مؤلف	۱۲ قطعه	۷۶۴۶۴
موضوع	۸۶۷۲	۵۹۱۵
شماره قفسه ۷-۵-۹۱		
بازدید شد		
۱۳۸۳		



نسخه فهرست شده
۸۶۷۲



فاتحه بخواند تا سوره شام از وی توبه باشند
و ماموم خبر فاتحه بخواند که در نماز پیش و دیگر
و در نمازی که در اقامه باشند و آواز امام
و امام پیش رکوع و سجود پیش گوید و در تشهد
اول چون اللهم صل علی محمد و علی آل محمد خیر
و برین بخیراید و در وقت سلام نیت سلام
بر قوم و قوم سلام خویش نیت جواب کند و
سلام و او پس بک بخیرد و روی بکوم کند
و دعا کند و اگر جماعت زمان نشند روی بک

خداوند تعالی غالی مباش که در خبر است
که هر طهارت که با ذکر بود کما را از همه اند
و چون بی کرد پیش از آن بزد که آب بوی
آب چنان بی سدا از احتلام یا اگر صحت
اول دست بشوئ سر جا که آلوده باشد از آن
کن نگاه و غو بکن چنانکه گفت آمد و پاشتن
تا آخر کن تا غسل فارغ شوی تا آب صاف نشود
چون وضو کردی بار آب بر جانب راست
و سه بار بر جانب چپ و سه بار بر میان

قربان کرده باشد و در دوم ساعت چنان
 باشد که کافیه است بان کرده باشد و در سیم
 کوفته می در چهارم مایهانی و پنجم بنصه چون
 امام بر بنبر شد صحایف در نور و در فلها بر
 و فرشتگان بهماع خطبه شغول شوند و در جبر
 که زیدی خلق در کمر استن تجی سبحانه و تعالی
 بوقت دید بر اندازد چاه خاستن بچ و در
 اوینه و چون جامع شد صیف اول طلعت
 و اگر مردمان آمده باشند پائی که مردمان

بکار درن فرمانها و رفتن راه تقوی الا بدانکه
 پیوسته بر اقبه و کاسبانی دل و اندامها مشغول
 باشی و بکفیس و یک خط از خویش غافل نباشی
 و بدانی که در هر خط حق سبحانه و تعالی مطلع
 بر ظاهر و باطن تو و آگاه است از اندیشه خاطر تو
 و دانایست به هر چه میروی و در زبان و چشم و دل
 و جمله اندامهای تو که در جمله عالم گیرند و اگر
 گیرد الا که حق تعالی از می پسند و میداند چون
 برانستی پیوسته با ادب باشی در خست

و گفته است که مسجد نه برای امنیت و چون در
مسجد شدی منشی تن داد و رکعت تحت مسجد
و اگر سنت نکرده باشی مگر که آنجا بی تحت نیر
بایستد چون سلام دادی نیت اعتکاف
کنی بدعا و ذکر مشغول باشی و هیچ غافل و بکا
مباشی چون بایک نمازش نوی در حالت
و در حالت که باشی در نماز جواب مؤذن
مشغول باشی و هائیکوی چون تجی علی الصلوة
مکبوی لاجل لاقوه الا بابتد العسلی لعنیم

که جایگاه خویش در بهشت نپند یا کسی دیگر آنرا
نپند و این را با اگر شب آدینه بخواند ثواب
بسیار دارد و چون انقل هو الله بسیار
و شب آدینه در روز آدینه صلا بسیار
بر رسول صلی الله علیه و آله و سلم فضلی دارد
و چون خطیب بر منبر ایستد یکفت و نماز
کرد الا تحت لیکر جواب مؤذن باز دهد و سماع
خطبه مشغول شود و پندهای خطیب پندیرد و الله
بیج سخن گوید که در خبر است که سر که مری اکوید



خالی کن و نگاه کن که در خدمت کمی ایستی
و با که مناجات کنی خواهی کرد و شرم دار که
بادل غفلت پیش او ندی ایستی با سینه پر و سینه
و شوات دنیا فراموش می شوی بدانکه و
بر درون تو مطلع است و نظرویی بهیست
و نماز تو که بنده زاری و فروشی و
و چارگی تو پذیرد و باید که در پیش و خالی ایستی
می بینی اگر او را نمی بینی می بینی اول حاضر
نیشود و بدانکه چشم دل تو با پناست از دریافت عظمه

و آئین نیر با و از کبوی در نماز با مدد سوره بانی که در
آخر قرآن از ترست بر خوان در نماز شام آنکه
کوتاه ترست و در نماز پیش و دیگر خشن آنکه
میان است چون آسمان ذات البروج و نما
آن در نماز با مدد و در سفر قل یا ایها الکافرون
و سوره ملاح و آخر سوره که بر کوع می بین
لیکن چند این خاموش باشد که سبحان الله تعالی
پس که بر کوع آغاز کن تا بر پای می ایست
و سر پیش را چشم بر جایگاه خود دارد و

راضی و اعوذ بک من و یا ایها الله انی رومن
سوار الدار انکاه بهر دو و پست آب بر
و جلد روی شوی از سر کوشش و کوشش پانی
خطی را کشش و سر قدر موی که سوی او
باشد از آن خط آب را باصل آن موی بآن
و بچین آن آب چهل چار موی بپا
ابر و موی لب و مکران موی که میا
روی کوشش باشد و چون محاسن بزرگ
نشده باشد چنانکه پوست بتوان دید آن

انکشتان خلال کن با بخت کین دست
چپ که خضر گویند و ابتدا با بخت کین
پای است کن و ختم کین پای چپ کن و بگوید
اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل
الاقلام فی النار و بوقت پای چپ شستن
اللهم انی اعوذ بک ان تزل قدمی علی الصراط
یوم تزل اقدم المناقضین فارغ شوی
بقصد کن و بگوید شهد الله الا الله و حسن
لا شریک له و شهد ان محمد عبده و رسوله

از روزه روز آدینه تنها چون صبح روز دوشنبه
 برای غسل کن که غسل دین و رستنی مهم است
 پس حایه سفید و پوشش که خداوند تعالی حایه
 دوست تر دارد و بوی خوش کار بردار و بلبه
 تن پاک کن به آنکه موی لب وزیر دست و
 ناف را تمهید کنی تا خنجر پسینی و موک کنی
 پس کلاه مسجد جامع شوی در راه آپسته
 بجزمت روی که در خبرست که هر که در ست
 اول مسجد جامع شود و پنجهان باشد که اشرفی

بود که میان کلونج واجب جمع کنی و استنجا
 خبر بدست چپ کن که بگوی اللهم طهر بلی
 من النفاق و حصن منی من الفواحش
 و چون از آپستجا باب فارغ شدی دست
 بر زمین مابد یوار و مال انگاه بشوی کیسج
 بوی ناز چون انشستن فارغ شدی بگوی
 غفر اکف یعنی آمرزش منجوا هم و خوشتر
 بخر قد خش کن تا تمام آداب بجای آورد
 آداب **صوم** چون از آپستجا فارغ شدی



